میر عبدالواحد سادات ۲۰۱۶/۰۵/۱۸

هوشدار و بیدار باش!
« توتاب » بدیل سوم نیز دارد

مقدرات تاریخی ما را بگونه یی رقم زده اند که « فرصت ها » برای ما « چالش زا » باشد و ما مادام العمر در حل و فصل کار خود ناکام و محتاج « قیم » و« جان کری » باشیم.
در پیش چشم ما ، سه همسایه یی شمالی ما (ترکمنستان ، آزبکستان ، و تاجکستان) که بیست و چند سال قبل از بدنه یی اتحادشوروی سابق جدا گردیدند ، اکنون به کشور های با ثبات ، با اقتدار ملی و ثروت عظیم مادی ومعنوی میباشند ، پاکستانی را که ما « دال » خور میگوییم بمثابه یک قدرت اتومی ، امریکا را به چالش میکشد وازین غول جهانی باج میگرد و ایران از زیر بار پلانهای امریکا و تعذیرات ، بحیث یک قدرت منطقوی با « شیطان بزرگ » وارد معامله میشود و قرار داد می بندد ، و اما ما در کجا قرار داریم ؟ و کجاست که از شکست و ناکامی عبرت بگیریم ؟ و پاشنه یی آشیل خود را بشناسیم و درک نماییم که : که اقوام گل های مرغوب باغ مشترک و وطن عزیزو واحد ما است ، اما از دولت تا اپوزیسیون ، پارلمان و روشنفکر قومی می اندیشیم و حافظه یی ضعیف تاریخی داریم و فراموش مینماییم که آزادیخواه بزرگ علامه اسماعیل بلخی از نفاق ملی هوشدارداده بود :

هزاره کیست پشتون کیست تاجک چیست ازبک چیست؟
اساس فرقه بازیهای استعمار را بشکن!

و اما در مورد «توتاپ:«

فقدان عقلانیت سیاسی در دولت و عقلای کرام باعث کردیده ، تا این پروژه ملی ، اکنون به معضله قومی مبدل گردد و اگر وضع به همین منوال دوام نماید ، نشود که ما به عوض پایه های برق در کوهپایه های کشور ، پای غولان داعشی را مستقر نسازیم .

بحث های جاری میان معترضان ودولت در مداردو راه میچرخد و مثل آنکه فراموش نموده ایم که « توتاپ » بدیل سوم نیز دارد و آن عبارت از عقیم شدن مجموع این پروژه میباشد ، تا محرومیت تاریخی ، بامیان ، دایکندی ، پکتیا ، پکتیکا و ... از روشناهی تداوم یآبد و از کجا معلوم که هدف اساسی « بحران آفرینان نا مرئی » که سایه یی شان بر دولت و جامعه مستولی است ، تحقق همین بدیل سوم نباشد . (ما هنوز « توتاپ » میگوییم و در حالیکه دیگر پاکستان درین پروژه وجود ندارد ، وهنگامیکه این کشور « با اقتدار در سرنوشت ما » بیرون شده است چه علاقه دارد که افغانستان و آنهم بامیان و پکتیا صاحب برق گردد ؟ در مصاحبه های تلویزیونی شنیدم که یک پاکستانی معلوم الحال مذاکره کننده یی یکی از بانکهای بین المللی ذیربط درین پروژه میباشد).

هیچگاهی یاد ما نرود که یکی از عوامل تداوم جنگ وتباهی افغانستان ، تلاش دشمنان تاریخی ما، از شاهراه ترقی و تمدن میباشد و همسایه های حریص و طماع پاکستان و ایران نیز منافع آزمندانه یی شانرا در همین راستا جستجو مینمایند .

این کشمکش های جیو ستراتیژیک و جیو ایکونومیک منطقه یی و جهانی است که مقدرات تاریخی افغانستان را رقم میزند و از مردم ما قربانی میگیرد.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

جغرافیایی افغانستان ضعیف و قرون وسطایی و ملک الطوایفی بسیار آسانتر میتواند به لانه های شرارت پیشه گان جهانی مبدل و بحیث معبر ورود به آسیای میانه و فعالیت آزادانه مافیایی مواد مخدر مورد استفاده قرار گیرد.

در احوال نا هنجار کنونی:

ـــ سونامی بنیادگرایی « اسلامی » (القاعده ، داعش و طالب و (...
ـــ تشدید جنگ اعلام نا شده یی پاکستان و دسایس الحیل ایران
ـــ سیاست های دو پهلو کجدار و مریز امریکا و انگلیس
ـــ دولت ضعیف و دو سره و فاسد (شرکت سهامی جهادی ، طالبی و مافیایی(
عواملی اند که هست و بود افغانستان را به مخاطره انداخته اند.

دولت (وحدت مالی و وحشت ملی) که با کسر مشروعیت و فقدان حاکمیت قانون قرار دارد ، نمیتواند رسالت انسجام ملی را انجام دهد ، این دولت که در گرو تاجران قوم و تیکه داران « جهاد » قرار دارد با عملکرد های غیر عقلانی و قومی ساختن سیاست ، پروژه یی بزرگ ملی و عمرانی راکه در چوکات اقتصاد ملی و سراسری مطرح است ، بشدت قومی ساخته و اکنون عصبیت قومی به عوض عقلانیت اقتصادی و تخصص فرمان میراند ، که نتیجه آنرا از قبل میتوان حدس زد که همانا ناکامی و عقیم شدن این پروژه خواهد بود . قربانیان نخستین این ناکامی مفاهیم والای عدالت و ترقی خواهد بود و کفاره یی آنرا مظلومترین خلق خدا از اقوام مختلف میپردازند .

عدم تعهد ملی دولت در پانزده سال اخیر و سیاست های غلط ، تقلیدی و کاپی گری ، باعث گردید که افغانستان بزرگترین فرصت های رشد اقتصادی را از دست بدهد و در عرصه یی زیر بنایی کاری موثر انجام نیآبد . برای اولیای امور، درین سالها مایه یی شرمساری است که افغانستان با تمام امکانات استحصال برق آبی ، بادی وآفتابی ، محتاج توريد برق از خارج باشد (در کشوریکه دولت بحساب غنیمت میان تیکه دارن قوم ، تاجران دین و قلدران مافیایی تقسیم گردد و وزارت سکتوری و با اهمیت انرژی و برق ، سهم جنگ سالاری برسد که با نور سالهای نوری دور باشد و در وابستگی آن به بیرون تردیدی نباشد .

ماحصل همین دولت فاسد و فساد سالاران است که پروژه های انرژی و برق مانند بند برق سلما سالها به تعویق افتد و پروژه « توتاپ » بعد از دهسال ، سر انجام از پروژه یی ملی به معضله یی قومی مبدل گردد.
منافع مردم ، خرد ورزی سیاسی و عقلانیت اقتصادی حکم مینماید ، تا قبل از آنکه دیر گردد ، موضوع با دلسوزی و واقعگرایی بررسی و راه بیرون رفت ، مشخص گردد . من ترس از آن دارم که « تأخر تاریخی عقلی » باعث خواهد گردید ، تا ما به عوض تحلیل مشخص از احوال موجود ، بروزی برسیم که در آن فردای نا وقت « فیلسوفانه گذشته را ارزیابی و برای آینده یی نا معلوم نسخه صادر نماییم.

در هرنوع راه حل این گفته یی وخشورانه یی ابراهام لینکلن باید مورد توجه جدی قرار داشته باشد که:

» هیچ معضله یی حل نخواهد گردید تا زمانیکه عادلانه حل نگردد«

افغانستان خانه مشترک تمام اقوام با هم برادر و برابر کشور میباشد و این اصل در وجود شهروندان متساوی الحقوق وبا سهمگیری مساویانه یی تمام اقوام در حیات سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی ، باید متبارز گردد ، تا وحدت ملی که عمل تبلور عملی وحدت واقعی ملی را میسر خواهد ساخت :

دلته هر حوک چه اوسیژی یو افغان دی ـــــــــ تور او سپین پیدا کول ملی تاوان دی
لوی هیواد به په ملی وحدت جوریژی ـــــــــ دا زمونژ عقیده او دا مو ایمان دی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ

بعد حقوقی یک پروژه یی بزرگ اقتصادی و اجتماعی در ماده یی ششم قانون اساسی چنین مسجل گردیده است : « دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی برای عدالت اجتماعی ، حفظ کرامت انسانی ، حمایت حقوق بشر ، تحقق دیموکراسی ، تامین وحدت ملی ، برابری بین هم اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف میباشد. «
راه حل کدام خواهد بود؟

اکنون مردم با دو طرح مواجه میباشند و طرفداران هردو طرح استدلال و منطق خود را دفاع مینمایند و بعد از این همه اعتراض و جنجال ، شاید معقول این باشد تا کمیته ملی متشکل از :
ـــ اقتصادانان ، متخصصان و اهل خبره و تجربه از طرفداران هردو طرح
ـــ به اشتراک متخصصین سازمان ملل متحد ، و شرکتها و دونر ها
ایجاد گردد و موظف گردد تا موضوع را بمثابه یی یک پروژه یی ملی و افغانستان شمول به صورت علنی و شفاف بررسی نماید و از قبل دولت و معترضان متعهد گردند که نظر کمیته را میپذیرند.
نتیجه کار «کمیته ملی» باید با ذکر دلایل تخصصی ، اقتصادی و مفیدیت اجتماعی اعلام گردد.
در هر حالت و بدون چگونگی فیصله «کمیته ملی» دولت باید متعهد گردد تا به تمام ولایات : بامیان ، دایکندی ، میدان و وردک ، لوگر ، پکتیا ، پکتیکا و تا زابل و قندهار رسیدن برق را به اسرع وقت ممکن میسازد .
دولت ، پارلمان ، جامعه مدنی ، مطبوعات ، رسانه های اجتماعی و معترضان باید تلاش نمایند تا بحث های قومی متروک و زمینه یی دیالوگ و بحث های مبتنی بر عقلانیت اقتصادی ، تخصص میسر گردد.
بسیار خوب است که تعدادی از اهل خبره ، اقتصادانان و متخصصان نظریات شانرا مطرح نموده اند و «کمیته» باید مجموع آنرا بررسی نماید.

هموطنانیکه « جنبش روشنایی » را سازمان داده اند ، باید در نظر داشته باشند که ، روشنی و عدالت در جوف قومی میسر شدنی نخواهد بود ،و عدالت و محرومیت مرز ندارد و متعلق به تمام شهروندان عدالت گستر و روشنگر میباشد . کدام انسان عدالت خواه و روشنگر خواهد بود که رفع محرومیت تاریخی مناطق مرکزی کشور و ولایات کنرها ، پکتیا ، پکتیکا ، بدخشان و ...را خواستار نباشد . ولایت باستانی بامیان مهد تمدن تاریخی و هویت تاریخی افغانستان است و کوهپایه های شرق ، جنوب ، غرب وشمال هرکدام عظمت خاص خود را دارد .

و حرف دیگر اینکه این « جنبش روشنایی » باید راه خود را از تیکه داران قوم جدا نماید ، مگر جامعه پیشتاز مدنی بامیان و منوران پیشگام هزاره ، هنوز در مرحله یی صغارت قرار دارند که باید « قیم » داشته باشند .

همین تیکه داران قوم چرا درین دهسال خپ و چپ بودند ، این ساده سازی است که تمام بار بدوش « ع وغ » انداخته شود ، اما در یک قضاوت منصفانه باید آقایان : خلیلی ، محقق ، مدبر ، دانش ، اکبری و ... جواب بدهند که درین دهسال که پروژه مطح بوده کجا تشریف داشته اند ، فکر میشود این تیکه داران قوم که هم و قم شان « رعیت » و « بانک رای » است ، بخاطر تلافی تجرید شان در تظاهرات مردم ماه عقرب سال پار به عجله در روی خاک چار زانو زدند . موجودیت این گروه ، باعث میگردد که تیکه داران سایر اقوام نیز وارد معرکه گردیده و در آخر روز اقوام را وجه المصالحه قرار بدهند .

حرکات اعتراضی باید مدنی و در چوکات قانون و با خواستهای مشخص باشد ، زد و بند ها و خواست های کلان سیاسی « فرا توتاپ » شک بر انگیز میباشد . دولت و معترضان باید فراموش ننمایند که : جامعه پر التهاب و بشدت منقطب افغانستان تحمل افتراق بیشتر را ندارد ، باید درسهای عبرت انگیز تاریخ در شصت و شکست سال 1992 و حوادث خونبار بعدی را بخاطر داشته باشیم ، نباید کاری صورت گیرد که عقربه یی زمان به آن سالها بر گردد ، این ترس و بیم زمانی بیشتر میگردد که مردم میدانند که اکثریت « تیکه داران قوم و تاجران جهاد » در خدمت جیو پولیتیک اجانب قرار داشته اند .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ

خرد ورزی و عقلانیت سیاسی حکم مینماید تا به اتکا به مصالح کلان ملی ، بخاطر حفظ خانه یی مشترک تلاش نماییم و متوجه باشیم که :

تعویق ، تعطیل و عقیم شدن این پروژه ، تمام پلانهای دیگر (کاسا یکهزار ، تاپی و ...) را که موقعیت ستراتیژیک افغانستان را تثبیت مینماید و سوچ پاکستان را زیر پای افغانان قرار میدهد ، زیر سوال میبرد.

معقول و مقبول خواهد بود تا تمام افغانان و اقوام با هم برادر و برابر کشور برای گذار وطن مشترک ، که سالهای طولانی جنگ و مصیبت بر آن تحمیل گردیده و مردم قربانی زیاد داده اند ، به شاهراه ترقی و تمدن تلاش نماییم و فریاد آزادیخواه سترگ عبد الرحمن لودین را بخاطر بسپاریم که :

ای ملت از برای خدا زودتر شوید
از شر مکر و حیله دشمن خبر شوید
از یک طرف نهنگ و دیگر طرف پلنگ
هردو بخون ما دهن خویش کرده رنگ
پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ